# تعلیمات مدنیه

تالیف جناب آقای آقا میرزا سید محمد قمی

موافق پروگرام جدید

وزارت جلیله معارف

و مطابق دستور شورای عالی معارف

چاپ دهم



و مخصوص است بکتابخانه اقبال حسین محیط

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

# کتابخانه دولتی

| | |
|---|---|
| اسم کتاب | |
| اسم مؤلف | |
| تاریخ طبع یا تحریر | |
| عده کلیه صفحات | |
| عده صورت ها | |
| عده سرلوحه ها | |
| عده صفحات تذهیب شده | |
| ذکر علائم جلد کتاب | |
| در زمان وزارت | |
| تاریخ ورود بکتابخانه | |
| نمره قفسه | نمره کتاب |

محل مهر کتابخانه و امضای مدیر کتابخانه

مطبعه مجلس

# تعلیمات مدنیه

برای

سال پنجم و ششم مدارس ابتدائی ایران

موافق پروگرام وزارت جلیله معارف

تألیف

جناب آقای آقا میرزا سید محمد قمی

چاپ دوم

۱۳۴۱



(حسین محیط)

بسم الله الرحمن الرحيم

# تعليمات مدنيه

## ( مقدمه )

۱- تعليمات مدنيه - تعليمات مدنيه رفتار نوع بشر را با يكديگر و اساس دولت و حدود و حقوق دولت و ملت در امور زندگانی و رابطهٔ دولت را با ملت معين مينمايد

۲- انسان وحشی - انسان وحشی آنست كه مثل حيوانات در غارها و جنگلها زندگانی نموده و بواسطهٔ صيد ماهی و شكار حيوانات و برگ نباتات معيشت نمايد

۳- اول اجتماع بشر - مردمان قديم وحشی بوده و تنها زندگانی

---

۱- تعليمات مدنيه از چه بحث مينمايد ؟ ۲- انسان وحشی كيست ؟
۳- اول اجتماعات بشر چيست ؟

میکرده اند چون دیدند که برای رفع احتیاجات خود و ترتیب زندگانی

محتاج بمعاشرتند زن و شوهر و اولاد ایشان در یکجا گرد آمده خانواده

تشکیل داده اند پس اولین اجتماع بشر خانواده است

۴ - قبیله انسان دیده که زندگانی یک خانواده بی کمک و همراهی

دیگران مشکل است و برای پیشرفت امور معیشت محتاج بدیگران است

چندین خانواده بدور هم جمع شده مجموع آنها را قبیله تشکیل داده اند

۵ - انسان چادرنشین - انسان چادرنشین قبایل و ایلاتی هستند که

در بیابانها در زیر چادرها زندگانی نموده و باختلاف فصول تغییر مکان

داده از گله چرانی و غیر آن معیشت مینمایند

۶ - شهر و ده - مسکن و ماوای مردمان قدیم غارها و شکافهای کوه

بوده و ادراک عمارت ساختن و آبادی نداشته اند بتدریج از آن

منازل دست کشیده و برای آسایش خویش منزل و خانه ساخته اند

و از اجتماع چندین خانه دهات و شهرها پیدا شده است

---

۴ - قبیله کدام است ؟ ۵ - انسان چادرنشین کدام است ؟ ۶ - شهر و ده بچه ترتیب پیدا شده ؟

۷ـ انسان متمدن کدام - انسان متمدن آنست که با امثال خود معاشرت نموده و در امور زندگانی بیکدیگر کمک نماید و برای آسایش خویش خانها و شهرها بنا کرده و بواسطه زراعت و صنعت و فلاحت زمینها را آباد نموده اسباب آسایش دیگران را هم فراهم آورند

۸ـ تمدن - تمدن عبارت است از معاشرت و معاونت انسان بایکدیگر در امور زندگانی و بمدد و کمک یکدیگر رفع احتیاجات خود را نمودن و هر قدر بایکدیگر بیشتر معاشرت و کمک نمایند تمدن آنها بیشتر است

۹ـ ملت - ملت عبارت از اجتماعی از نوع بشر است که در منفعت و رسوم و عادات و آمال شریک و غالباً یک نژاد و زبان و مذهب دارند و در یک خاک ساکن و در تحت حکم یک اداره زندگانی میکنند

۱۰ـ مملکت - مملکت قطعه وسیعی از زمین است که اهالی آن مطیع یک دولت باشند مثل مملکت ایران

---
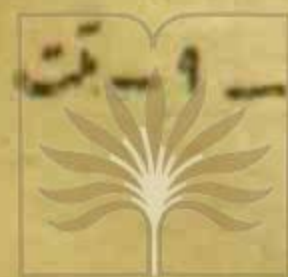
۷ـ انسان متمدن کدام است ؟ ـ ۸ ـ تمدن چیست ؟ ـ ۹ ـ ملت کدام است ؟ ـ ۱۰ـ مملکت چیست ؟

# فصل اول — تشکیل دولت

۱۱- دولت - جماعتی از بشر که در یکجا جمع شوند هر یک اسباب زندگانی و راحت را برای خود میخواهد و این سبب نزاع شده قوی بر ضعیف تعدی مینماید از این جهة لازم است هیئت و اداره تشکیل کند که امنیت را برای عموم نگاهداری کرده تعدی قوی را از ضعیف رفع نماید و این هیئت را دولت و حکومت گویند پس دولت هیئتی است که امور ملت را اداره کرده حقوق افراد مردم را نسبت بیکدیگر محافظت نماید و دولت بدو شکل تشکیل میشود سلطنتی و جمهوری

۱۲- دولت سلطنتی - دولت سلطنتی آنست که سلطنت ارثی باشد که بعد از فوت پادشاه بیکی از اعضای خانواده اش منتقل شود

و دولت سلطنتی بر دو قسم است دولت با سلطنت استبدادی و دولت مشروطه یا حکومت ملی

---

۱۱- دولت کدام است؟ دولت بچند شکل میشود ۱۲- دولت سلطنتی کدام است و بر چند قسم است؟

۱۳- دولت استبدادی - دولت استبدادی آنستکه رئیس دولت که موسوم است بپادشاه یا امپراطور وغیره وصاحبان قدرت بدلخواه خود هرچه بخواهند بکنند ومیل خود در جان ومال وآبروی مردم تصرف نموده وحدی نداشته ومسئول کسی نباشند

۱۴- دولت مشروطه - دولت مشروطه یا حکومت ملی آنست که اعمال پادشاه وصاحبان قدرت وافراد ملت در تحت قانونی باشد که آن قانون را ملت وضع نموده وخود ملت ناظر باشند که کسی از حدود قانون تجاوز نکند

۱۵- دولت جمهوری - دولت جمهوری آنستکه رئیس دولت موقتی باشد که ملت او را برای مدت معینی انتخاب کند واو را رئیس جمهوری گویند

۱۶- قانون - عبارتست از مواد واصولی که تکالیف دولت وافراد مردم را نسبت بیکدیگر ونسبت بدولت معین مینماید مهمترین قوانین مملکتی

---

۱۳- دولت استبدادی کدام است؟ ۱۴- دولت مشروطه کدام است؟

۱۵- دولت جمهوری چیست؟ ۱۶- قانون چیست؟

قانون اساسی است که اساس و اختیارات دولت و بنیاد حقوق ملت را
معین مینماید

۱۷- دولت قانونی - دولت یا حکومت قانونی آنست که دارای
قانونی باشد که دولت و ملت حدود و حقوق خود را شناخته در
زیر حکم قانون زندگانی کنند

## (اساس دولت ایران)

۱۸- مملکت ایران مدتها بطور استبداد اداره میشد در سنه یکهزار و
سیصد و بیست و چهار جمعی از علما و بزرگان و سایر ملتیان شورش
کرده از پادشاه عادل مظفرالدین شاه اعلان مشروطیت خواستند او هم
قبول کرده مجلس شورای ملی برپا گردید ولی یکسال و نیم بیش طول نکشید که
محمد علی میرزا پادشاه مخلوع بهارستان را که محل مجلس شورای ملی بود
بتوپ بست و تقریباً ۱۳ ماه باستبداد سلطنت نمود آزادی طلبان
مذکور را با قوای استبدادی ایستادگی کرده تا اینکه در ماه جمادی الثانی

---

۱۷- دولت قانونی کدام است؟ ۱۸- دولت ایران چه وقت مشروطه شد
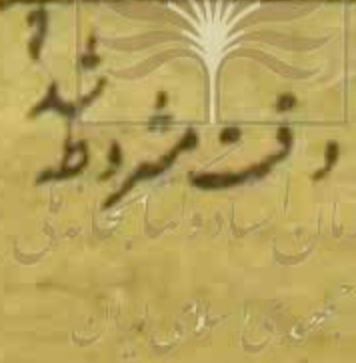
۱۳۲۷ شهر طهران را فتح و محمد علی میرزا را مغلوب و از سلطنت عزل نموده و پسر او سلطان احمد شاه را بجای او از طرف ملت نصب کرده دوباره اعلان مشروطیت نمودند

## فصل دوم

## ( اساس دولت مشروطه )

۱۹ — اساس دولت مشروطه بر سه قوه است — قوه مقننه — قوه مجریه — قوه قضائیه

۲۰ — قوه مقننه عبارتست از هیئت وکلاء نمایندگان ملت که ایشان را انتخاب کرده و اختیار داده اند که وضع قانون و نگاهداری آن را نمایند

۲۱ — قوه مجریه عبارتست از هیئتی که قوانینی که از طرف قوه مقننه وضع میشود آن هیئت بموقع اجرا میگذارند و آن هیئت را هیئت

---

۱۹ — اساس دولت مشروطه بر چیست ؟ ۲۰ — قوه مقننه کدام است ؟ قوه مجریه چیست ؟

وزراء وکابینه و حکومت یا دولت نیز گویند

۲۲ - قوه قضائیه عبارتست از هیئتی که اختلافاتی که مابین افراد
مردم واقع میشود تسویه مینمایند

## فصل سیم

### (قوه مقننه)

۲۳ - قوه مقننه (پارلمان) از دو مجلس تشکیل میشود که یکی را مجلس
شورای ملی و دیگری را مجلس سنا گویند

### (مجلس شورای ملی)

۲۴ - وکلای مجلس - وکلای مجلس شورای ملی موافق قانون انتخابات
۱۳۶ نفر است که برای مدت دو سال از طرف ملت انتخاب میشوند
و بعد از هر دو سال محتاج بانتخاب جدید است و مردم مختارند که

---

۲۲ - قوه قضائیه عبارت از چیست و ۲۳ - قوه مقننه از چه تشکیل میشود
۲۴ - عده وکلای مجلس و مدت انتخابات آنها چیست و

هریک از منتخبین سابق را دوباره انتخاب کنند

## ( طریقه انتخاب )

۲۵ - طریقه انتخاب آنستکه مملکت را موافق نظامنامه انتخابات بچند قسمت نموده و در هر قسمتی هیئتی باسم انجمن نظار معین میکنند در تحت نظارت آن انجمن کسانیکه حق انتخاب دارند در مدتی که انجمن معین مینماید ورقه تعرفه گرفته و اسامی اشخاصی را که میخواهند انتخاب نمایند در روی ورقه نوشته و آن ورقه را در روزیکه انجمن معین مینماید بصندوق میاندازند بعد از آن صندوق را هیئت نظار باز کرده ورقه ها را میخواهند هر کس که باکثریت انتخاب شده وکیل ملت خواهد بود

## شرایط انتخاب کنندگان

۲۶ - انتخاب کنندگان مطابق نظامنامه انتخابات که در شوال ۱۳۲۹ از مجلس گذشته باید شرایط ذیل را دارا باشند

---

۲۵ - طریقه انتخاب چیست؟ ۲۶ - شرایط انتخاب کنندگان چیست؟

(۱) سن آنها کمتر از بیست سال نباشد

(۲) رعیت ایران باشند

(۳) در حوزهٔ انتخابیه متوطن یا اقلاً از شش ماه قبل از انتخاب در آنجا ساکن باشند

۲۷ — اشخاص ذیل از انتخاب نمودن محرومند

(۱) زنها

(۲) اشخاص خارج از رشد و آنهائیکه محتاج بقیم شرعی میباشند

(۳) تبعهٔ خارجه

(۴) اشخاصیکه سن آنها کمتر از بیست سال باشد

(۵) اشخاصیکه خروجشان از دین اسلام در حضور یکی از حکام شرع جامع الشرایط ثابت شده باشد

(۶) — اشخاص ورشکسته بتقصیر

(۷) — مرتکبین قتل و سرقت و مقصرینی که مستوجب حدود قانونی

---

۲۷ — چه اشخاص از انتخاب نمودن محرومند ؟

اسلامی شده باشند

۸- اهل نظام بری و بحری سوای صاحبمنصبان افتخاری

(۹) - حکام و معاونین آنها در محل حکومت و اجزای اداره امنیه
و نظمیه در محل مأموریت خود شان

(۱۰) - متکدیان و اشخاصیکه بوسائل بیشرفانه تحصیل معاش مینمایند

(۱۱) مقصرین سیاسی که بر ضد حکومت ملی و استقلال مملکت اقدام کرده اند

## شرایط انتخاب شوندگان

۲۸- انتخاب شوندگان باید دارای شرایط ذیل باشند

۱- آنکه متدین بدین اسلام باشند مگر نمایندگان ملل متنوعه از قبیل
کلیمی و مسیحی و زردشتی

(۲) خط و سواد فارسی بقدر کفایت داشته باشند

(۳) رعیت ایران باشند

(۴) معروفیت در محل خود داشته باشند

۲۸- شرایط انتخاب شوندگان چیست؟

(۵) سن آنها کمتر از سی سال و زیاده بر هفتاد سال نباشد

(۶) بامانت و درستکاری معروف باشند

۲۹ — اشخاص ذیل از انتخاب شدن محرومند

(۱) شاهزادگان بلافصل (ابناء و اعمام و اخوان پادشاه)

(۲) زنها

(۳) تبعه خارجه

(۴) اهل نظام که مشغول خدمت اند و مستخدمین امنیه و نظمیه سوای صاحبمنصبان افتخاری

(۵) حکام کل و جزء و معاونین ایشان در حوزه مأموریت خود

(۶) ورشکستگان بتقصیر

(۷) مرتکبین قتل و سرقت و مقصرینی که مستوجب حدود قانونی اسلامی شده باشند

(۸) کسانیکه سنشان کمتر از سی یا زیاده بر هفتاد سال باشد

۹ – متجاهرین بفسق و اشخاصی که فساد عقیده دینی و خروجشان از دین مقدس اسلام در حضور یکی از حکام شرع جامع الشرایط ثابت شده یا بشیاع رسیده باشند

(۱۰) مقصرین سیاسی که بر ضد اساس حکومت ملی و استقلال مملکت قیام و اقدام کرده باشند

## وظیفه مجلس شورای ملّی

۳۰ – وظیفه مجلس شورای ملی وضع قوانین برای نظم مملکت و وزارتخانه ها و نظارت بر اجرای آن و تصویب دخل و خرج مملکت وضع و تغییر مالیاتها و غیرانها از قبیل استقراض و جلب مستخدمین خارجه و سایر امور مهمه مملکتی است

## ( مجلس سنا )

۳۱ – اعضای مجلس سنا موافق نظامنامه انتخابات مخصوصی که باید به تصویب مجلس شورای ملی برسد از اشخاص خبیر و بصیر و متدین و محترم مملکت منتخب میشوند نصف از طرف پادشاه و نصف از طرف ملت

---

۳۰ – وظیفه مجلس شورای ملی چیست ؟ ۳۱ – اعضای مجلس سنا بچه نحو انتخاب میشوند

## عدهٔ وکلای مجلس سنا

۳۲- عدهٔ وکلای مجلس سنا شصت نفر است که سی نفر آن را پادشاه انتخاب مینمایند پانزده نفر از اهالی طهران پانزده نفر از اهالی ولایات و سی نفر از طرف ملت انتخاب میشود پانزده نفر بانتخاب اهالی طهران و پانزده نفر بانتخاب اهالی ولایات

## (وظیفهٔ مجلس سنا)

۳۳- وظیفه مجلس سنا وضع قانون بمعیت مجلس شورای ملی و نظر در اعمال هیئت وزراء کلیه تمام امور باید بتصویب هر دو مجلس باشد مگر امور مالیه که مخصوص مجلس شورای ملی است

## (ترتیب وضع قانون)

۳۴- برای وضع یک قانون لایحه از طرف وزراء یا از طرف اعضای مجلس شورای ملی یا اعضای مجلس سنا موافق ترتیب مخصوص

---

۳۲- عدهٔ وکلای مجلس سنا چیست ؟ ۳۳- وظیفهٔ مجلس سنا چیست ؟

۳۴- ترتیب وضع قانون چیست ؟

همیشه نماد میشود و درصورتیکه آن قانون مخالفت باموازین شرعیه

نداشته باشند و مجلس شورای ملی و سنا آن را باتفاق یا باکثریت

آرا، تصویب نمایند بتوسط شخص اول دولت آن قانون تقدیم مقام

پادشاهی گشته پس از نظریات امضا، فرموده و بتوسط روزنامه و غیره

اعلان میگردد از تاریخ اعلان آن رسماً اجری شده و اهالی

مجبور از اطاعت آن خواهند بود

# فصل چهارم

## قوهٔ مجریه

۳۵ - رئیس قوهٔ مجریه شخص پادشاه است

۳۶ - سلطنت ودیعه است که بموهبت الهی از طرف ملت

بپادشاه سپرده میشود در ایران فعلاً شخص سلطان احمد شاه

قاجار خلدالله ملکه و بعد از آن بولیعهد و اولاد ایشان نسلاً

۵ - رئیس قوه مجریه کیست ۶ - سلطنت ایران باکیست

بعد نسل مفوض شده

## (اختیارات پادشاه)

۳۷- عزل و نصب وزراء و اعطای درجات نظامی و صدور
احکام و فرامین برای اجرای قوانین و فرمان فرمائی تمام قشون
و اعلان جنگ و عقد صلح و غیره بترتیب قانون با شخص پادشاه
است ولی پادشاه وقتی میتواند امور سلطنتی را شخصاً متصدی
شود که سن او بهیجده سال رسیده باشد و چنانچه باین سن نرسیده
باشد بتصویب مجلس شورای ملی و سنا نایب السلطنه برای او انتخاب
خواهد شد تا بهیجده سالگی را بالغ شود و شخص پادشاه از مسئولیت
مبری است

## (ترتیب تشکیل قوه مجریه)

۳۸- شخص پادشاه با موافقت قوه مقننه یکنفر را باسم رئیس
الوزرا انتخاب مینماید و رئیس الوزرا هیئت وزراء را معین نموده معرفی

---

۳۷- اختیارات پادشاه چیست؟ ۳۸- قوه مجریه بچه نحو تشکیل میشود؟

پادشاه میرساند و بموجب فرمان پادشاه عزل و نصب میشوند

## (وظیفهٔ هیئت وزراء)

۳۹ - هیئت وزرا قوانینی را که قوه مقننه وضع نموده و بصحه پادشاه رسیده بموقع اجرا میگذارند و در کارها و اعمال خود مسئول مجلس سنا و مجلس شورای ملی هستند

## (معنی مسئولیت وزراء)

۴۰ - معنی مسئولیت وزراء اینستکه باید در موقع لزوم توضیحات لازمه بپارلمان بدهند و هر یک از دو مجلس حق دارند آنها را تحت مؤاخذه و محاکمه درآورند و هرگاه عدم رضایت خود را از هیئت وزراء یا وزیری اظهار نمایند آن هیئت یا آن وزیر از مقام وزارت منعزل میشود

## (عدهٔ وزرای مملکت ما)

۴۱ - تا حالا عدهٔ وزرائیکه برای وزارتخانها معین شده و معمول است

---

۳۹ - وظیفه هیئت وزراء چیست؟ ۴۰ - معنی مسئولیت هیئت وزراء چیست؟
۴۱ - عده وزرای مملکت ما چیست؟

بقرار ذیل است - وزیر داخله - وزیر جنگ - وزیر خارجه

وزیر مالیه - وزیر عدلیه - وزیر علوم و اوقاف - وزیر پست

و تلگراف - وزیر فوائد عامه و تجارت

## ( وظیفه وزارت داخله )

۴۲ - وظیفه وزیر داخله حفظ آسایش و امنیت عمومی در مملکت و

نظارت باجرای قوانین و ادارات داخلی و عزل و نصب حکام است

## ( تقسیمات مملکت ایران )

۴۳ - مملکت ما ایران برای سهولت امور داخله بایالات و و

لایات و بلوک و ناحیه تقسیم شده اند

## ( ایالت )

۴۴ - ایالت قسمتی است از مملکت که دارای حکومت مرکزی

و ولایت حاکم نشین جزو است و فعلاً ایالات مملکت ما منحصر است

بچهار ایالت - آذربایجان - فارس - کرمان - و بلوچستان

---

۴۲ - وظیفه وزیر داخله چیست ؟ ۴۳ - مملکت ایران بچه ترتیب تقسیم شده ؟

۴۴ - ایالت کدام است ؟

خراسان و سیستان – حاکم ایالت را فرمانفرما گویند و در مرکز هر ایالتی انجمنی موسوم بانجمن ایالتی تشکیل میشود

## ( ولایت )

۴۵ – ولایت قسمتی از مملکت است که دارای یک شهر حاکم نشین و توابع باشد اعم از اینکه حکومت آن تابع پایتخت باشد یا تابع مرکز ایالتی و در هر شهر حاکم نشین هر ولایتی انجمنی موسوم بانجمن ولایتی منعقد میگردد

۴۶ – فرمانفرمایان و حکام بموجب فرمان اعلیحضرت همایونی و تصویب وزارت داخله بسمت حکومت منصوب و از حکومت معاف میشوند

## ( وظیفه فرمانفرما و حکام )

۴۷ – وظیفه فرمانفرما و حاکم عبارتست از اجرای قوانین و حفظ نظم و امنیت و ایصال مالیات و نظارت بر ادارات و مراقبت

---

۴۵ – ولایت عبارت از چیست ؟ ۴۶ – فرمانفرمایان و حکام از طرف کی معین میشوند ؟ ۴۷ – وظیفه فرمانفرما و حاکم چیست ؟

در امر اذوقه و ارزانی و ترویج زراعت و صنعت و تجارت وغیره

و بالاخره فرمانفرما و حاکم نماینده دولت اند در محل مأموریت خود

## ( انجمن ایالتی )

۴۸- انجمن ایالتی منعقد میشود از ۱۲ نفر که از مرکز ایالت از

طرف اهالی انتخاب میشوند و یکنفر از مرکز هر ولایت که تابع اَست

## ( انجمن ولایتی )

۴۹- انجمن ولایتی تشکیل میشود از شش نفر که در مرکز ولایت از طرف

اهالی انتخاب میشوند و یک نفر از هر بلوک تابع آن

## ( وظیفه انجمن ایالتی و ولایتی )

۵۰- وظیفه انجمن ایالتی و ولایتی نظارت باعمال حکام و ادارات

- تصحیح و دقت نظر در بودجه - تسهیل لوازم ترقی تجارت و زراعت

ترویج معارف عمومی وغیره است

## ( بلوک و ناحیه )

---

۴۸- انجمن ایالتی کدام است؟ ۴۹- انجمن ولایتی کدام است؟ ۵۰- وظیفه انجمن ایالتی و ولایتی چیست؟
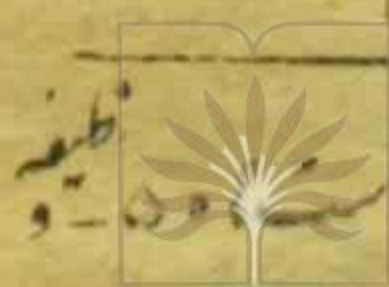
۵۱ـ بلوک قسمتی از ولایت است که دارای یک مرکز و قصبه نایب
الحکومه نشین و چند ناحیه تابع آنست مثل بلوک دراپین و شهریار

۵۲ـ نایب الحکومه بتعیین حاکم و تصویب فرمانفرما با وزارت داخله
معین میشود و وظیفه او موافق وظیفه حاکمست در محل مأموریت خود
بلوک انجمن ندارد لکن یک نفر نماینده در انجمن ولایتی دارد

## (ناحیه)

۵۳ـ ناحیه قسمتی از بلوک است که مرکب است از چند ده و امور
اداره آن محول است بعهده شخصی که موسوم است بضابط (مباشر)

۵۴ـ ضابط بتصویب نایب الحکومه و با امضای حاکم بسمت خود
مستقر میگردد

۵۵ـ اداره کردن امور ده با شخصی است که موسوم است بکدخدا

۵۶ـ کدخدا ـ کدخدا برضایت اکثر ساکنین ده و بتصویب

---

۵۱ـ بلوک کدام است؟ ۵۲ـ نایب الحکومه از طرف کی معین میشود؟
۵۳ـ ناحیه چیست؟ ۵۴ـ ضابط از طرف کی معین میشود؟ ۵۵ـ اداره
کردن امور ده با کی است؟ ۵۶ـ کدخدا بچه ترتیب معین میشود؟

مباشر و مالک و امضای نایب الحکومه بدین سمت استقرار می‌یابد

## ( انجمن بلدیّه )

۵۷ - انجمن بلدیّه عبارتست از هیئتی که در هر شهری برای حفظ منافع و انجام حوائج اهالی شهر تشکیل میشود

۵۸ - اعضاء انجمن بلدیّه - اعضاء انجمن بلدیه موافق قانون بلدیه از طرف اهالی محلات شهر انتخاب میشوند

## وظیفهٔ انجمن بلدیّه

۵۹ وظیفه انجمن بلدیّه مراقبت در عدم قحطی آذوقه شهر - ساختن و پاک نگاهداشتن کوچها و خیابانها و باغهای عمومی و مجاری آبها - روشن کردن شهر - تقسیم آبهای نهاری - تأسیس دارالعجزه و دارالمساکین و مریضخانها - تهیه لوازم حفظ الصحه و تأسیس دواخانه‌ها و کتابخانها و قرائت خانه‌ها و از این قبیل چیزهای دیگر

---

۵۷ - انجمن بلدیه چیست؟ ۵۸ - انجمن بلدیّه چگونه معین میشوند ۵۹ وظیفه انجمن بلدیّه چیست؟

۶۰ - اعضای انجمن بلدیه دارای مواجب نیستند تنها رئیس بلدیه دارای مواجب است

## مدت مأموریت اعضاء بلدیه

۶۱ - مدت مأموریت اعضا بلدیه تا چهار سال است ولی در هر دو سالی نصف از اعضا که مدتشان منقضی شده عوض میشوند و بجای آنها مجدداً انتخاب میشوند

## وظیفه وزارت جنگ

۶۲ - وظیفه وزیر جنگ تهیه سپاه و سرباز و قوه برای مدافعه وطن و حفظ نظم مملکت رسیدگی بامور سربازی - انتظام قشون تشکیل اردو در نقاطیکه مقتضی باشد تهیه مهمات و لوازم جنگی

## سپاه - سرباز

۶۳ - سرباز کسی است که برای مدافعه مملکت از دشمنان خارجی

---

۶۰ - آیا اعضای انجمن بلدیه دارای مواجب هستند؟ ۶۱ - مأموریت اعضاء بلدیه تا چند سال است؟ ۶۲ - وظیفه وزیر جنگ چیست؟ ۶۳ - سرباز کدام است؟

وحفظ انتظام داخلی خود را ضمیمه نموده باشد و این وظیفه ایست که بر تمام افراد وطن که قابلیت دارند وفای بآن لازم است

۶۴ - سپاه - مجموع سربازهای مملکت را سپاه میگویند

## ( اردو )

۶۵ - اردو - قسمتی از سپاه است که دولت برای محلی که مقتضی بداند مهیا مینماید

## ( ترتیب گرفتن سرباز )

۶۶ - بموجب قانون اساسی سربازی برای تمام افراد اهالی مملکت مساوی است ولی هنوز قانون برای گرفتن سرباز وضع نشده و بترتیب قدیم از روی بنیچه سرباز و سوار گرفته میشود

۶۷ - ژاندارم - برای حفظ نظم داخلی و آسایش عمومی و حفظ راهها عده در تحت اداره وزارت داخله تشکیل میشود و آنها را

---

۶۴ - سپاه چیست؟ ۶۵ - اردو چیست؟ ۶۶ - ترتیب گرفتن سرباز چیست؟ ۶۷ - ژاندارم کدامست؟

آژان وژاندارم میگویند آژان برای حفظ امنیت در ابادیها
وژاندارم برای حفظ امنیت در راهها و صحراها

## ( وظیفه وزارت امور خارجه )

۶۸- وظیفه وزیر امور خارجه انجام دادن امور سیاسی و تجارتی است در ممالک خارجه بتوسط سفرا و قونسولها و تهیه مناسبات دوستانه با دول خارجه - چون هر دولتی برای فراهم اوردن لوازم و مایحتاج مملکت خود محتاج بمعاونت و مراوده با دول دیگر است لهذا باید با دولی که طرف استفاده صنعتی و تجارتی است مناسبات دوستانه بواسطهٔ معاهدات برقرار نماید و بستن معاهدات و حفظ آنها وظیفه وزیر امور خارجه است

## وظیفه وزارت مالیّه

۶۹- وظیفه وزیر مالیه اداره نمودن دخل و خرج دولت و وصول کردن مالیاتهای مملکتی موافق بودجه و عزل و نصب

---

۶۸- وظیفه وزیر امور خارجه چیست ۶۹- وظیفه وزیر مالیه چیست

مامورین وصول مالیه برای ایالات و ولایات

۷۰ - بودجه - بودجه دولت عبارت از صورت حسابی است که واردات و مخارج یک ساله دولت را معین میکند و در آخر هر سال دفتر دخل و خرج سال آینده (بودجه) باید حاضر باشد باین طریق که وزرا باید خرج و دخل را برآورد و معین کنند و پارلمان آنرا ملاحظه کرده جرح و تعدیلی اگر دارد بنماید و تصویب کند.

## ( مخارج دولت )

۷۱ - مخارج دولت ما عبارتست از تنزیل استقراضهای دولتی مخارج سپاه و سرباز حقوق عمومی اجزاء وزارتخانه ها مستمری و یا مواجب مجانی وغیره

## ( عایدات دولت )

۷۲ - عایدات دولت ما از مالیاتها و منافع املاک دولتی است که آن را خالصه جات میگویند

---

۷۰ - بودجه عبارت از چیست؟ ۷۱ - مخارج دولت ما چیست؟ ۷۲ - عایدات دولت از چه ممری است؟

# (مالیات)

۷۳ - مالیات عبارتست از نقدینه‌ای [illegible] که برای مصرف منافع عمومی و حفظ نظم مملکت از هر یک از افراد مملکت موافق قانون گرفته میشود

۷۴ - مالیات هر ساله از طرف مجلس شورای ملی برای سال آینده تصویب میشود و بدون تصویب مجلس هیچگونه مالیات و عوارض نمیتوان گرفت

۷۵ - مالیات اساساً بر دو قسم است مالیات مستقیم و مالیات غیر مستقیم

## (مالیات مستقیم)

۷۶ - مالیات مستقیم آنستکه بلاواسطه از دست دهنده بدولت میرسد مثل مالیاتی که از املاک و اراضی و دکاکین و حیوانات گرفته میشود

## (مالیات غیر مستقیم)

۷۷ - مالیات غیر مستقیم عبارت است از مالیاتیکه از دست دهنده

---

۷۳ - مالیات عبارت از چیست ؟ ۷۴ - مالیات از جانب کی معین میشود

۷۵ - مالیات بر چند قسم است ؟ ۷۶ - مالیات مستقیم کدام است ؟

۷۷ - مالیات غیر مستقیم کدام است ؟

بواسطه بدولت میرسد مثل مالیات ثبت اسناد و تریاک و دخانیات

و حق گمرک و عوارضی که از کاسه و دشکه و نواقل و غیره آن گرفته

میشود که دهندگان بدیگران تحمیل میکنند

## مالیات ثبت اسناد

۷۸ ـ مالیات ثبت اسناد مالیاتی است که در وقت خرید و فروش

املاک و قرض دادن اسناد و قباله جات را به تمبر و مهر اداره

ثبت اسناد رسانیده مبلغ معیّنی کارسازی میدارند

## (حق گمرک)

۷۹ ـ حق گمرک آنستکه دولت از اسباب و اشیائی که از ممالک

خارجه بداخله مملکت وارد میشود یا از داخله مملکت خارج میشود

مبلغ معیّن در سرحد از صاحب مال میگیرد

## وظیفه وزارت پست و تلگراف

۸۰ ـ وظیفه وزیر پست و تلگراف اداره نمودن پست و تلگراف

---

۷۸ ـ مالیات ثبت اسناد کدام است ؟ ۷۹ ـ حق گمرک کدام است ؟

۸۰ ـ وظیفه وزیر پست و تلگراف چیست ؟

و منظّم نگاهداشتن آنهاست

## (وظیفهٔ وزارت تجارت و فواید عامّه)

۸۱ — وظیفه وزیر تجارت و فواید عامّه ترتیب لوازم ترقّی تجارت ساختن راههای شوسه کشیدن خط آهن و استخراج معادن و ایجاد کارخانجات وغیره

## وظیفهٔ وزارت علوم و اوقاف

۸۲ وظیفه وزیر علوم و اوقاف اهتمام در ترقّی معارف و ایجاد مکاتب و مدارس و انتظام امور اوقاف و رسیدگی بعایدی اوقاف و مصارف آن و تعمیر مساجد و مدارس است

## (مدرسه)

۸۳ — مدرسه یا مکتب محلّی است که برای تربیت علمی و اخلاقی اطفال و جوانان مملکت مهیّا شده باشد

## (تحصیلات مدارس)

۸۱ — وظیفه وزیر تجارت و فواید عامّه چیست ؟ ۸۲ — وظیفه وزیر علوم و اوقاف چیست ؟ ۸۳ مدرسه کدام است ؟

۸۴ - تحصیلات بسه درجه تقسیم میشوند تحصیلات ابتدائیه تحصیلات متوسطه تحصیلات عالیه و باینجهت مدارس نیز بسه درجه تقسیم میشوند مدارس ابتدائیه و مدارس متوسطه و مدارس عالیه

## (تحصیلات ابتدائیه)

۸۵ - تحصیلات ابتدائیه عبارت از علومی است که برای همه کس لازمست از قبیل خواندن و نوشتن زبان فارسی حساب هندسه - جغرافیا - شرعیات - تاریخ - تعلیمات مدنیه، علم الاشیا باندازه که در پروگرام معارف نوشته شده است مدت تحصیلات ابتدائیه شش سال است

## (تحصیلات متوسطه)

۸۶ - تحصیلات متوسطه همان تحصیلات ابتدائی است بطور کامل و مخصوص اشخاصی است که بخواهند تحصیلات ابتدائی را تکمیل کرده و خود را آماده تحصیلات عالیه نمایند

---

۸۴ - تحصیلات مدارس بچند درجه تقسیم میشود؟ ۸۵ تحصیلات ابتدائیه عبارت از چیست؟ ۸۶ - تحصیلات متوسطه کدامست

## تحصیلات عالیه

۸۷ـ تحصیلات عالیه عبارت است از علوم طب حقوق ـ
تاریخ ادبیات ریاضیات ـ فلسفه طبیعیات ـ ثروت ـ و
غیره واین تحصیلات مال اشخاصی است که در مدارس ابتدائی
و متوسط تحصیلات خود را کامل نموده و تصدیق گرفته باشند
۸۸ ـ اطفال باید از سن هفت سالگی شروع بتحصیل نمایند

## ( وظیفه وزارت عدلیه )

۸۹ـ وظیفه وزیر عدلیه نظارت بتمام امور عدلیه و اداره
نمودن دوایر عدلیه و محافظه حقوق افراد مردم و تشکیل محاکم
در محلهای مقتضیه

# فصل پنجم

## قوه قضائیه یا عدلیه

---

۸۷ـ تحصیلات عالیه کدام است ؟ ۸۸ ـ اطفال از چه سنی باید شروع
بتحصیل نمایند ؟ ۸۹ ـ وظیفه وزیر عدلیه چیست ؟

۹۰ – وظیفهٔ قوّهٔ قضائیه یا عدلیه قطع و فصل دعاوی تحقیق حقوق و تمیز دادن ظالم از مظلوم است و مرجع تمام تظلّمات عدلیه است

۹۱ – دعاوی شخصی دعاوی راجعه بحقوقی است که متعلّق بیک یا چند شخص معیّن باشد

۹۲ – دعاوی عمومی متعلّق است بحقوق عموم مردم مثل بازار دکوچها و آبهای عمومی و غیره‌ها

## تشکیل قوّهٔ قضائیه

۹۳ – قوّهٔ قضائیه در مملکت ما تشکیل میشود از محاضر شرع و محاکم عرفیه

## وظیفهٔ محاضر شرع

۹۴ – وظیفهٔ محاضر شرع رسیدگی بامور شرعیه از قبیل نکاح و طلاق و میراث و صیغه و غیره آن و کلیه دعاوی که بشاهد و قسم

---

۹۰ – وظیفهٔ قوّهٔ قضائیه یا عدلیه چیست؟ ۹۱ – دعاوی شخصی کدام است؟
۹۲ – دعاوی عمومی کدامست؟ ۹۳ – قوّه قضائیه بچه نحو تشکیل میشود؟
۹۴ – وظیفهٔ محاضر شرع چیست؟

فیصل داده میشود

## محکمهٔ عُرفیّه

۹۵ـ محکمهٔ عرفیّه هیئتی است که از طرف دولت انتخاب شده‌اند

برای قطع و فصل دعاوی و تمیز حق و بی حق و این هیئت را هیئت

قاضیه یا حاکمه گویند

## وظیفهٔ محاکم عرفیه

۹۶ـ وظیفهٔ محاکم عرفیه رسیدگی بدعاوی جزائی و حقوقی

و تجارتی است از روی اسناد و دلایل عُرفیّه

## دعاوی جزائی

۹۷ـ دعاوی جزائی دعاوی است که حاصل میشود از قتل

و سرقت و زدوخورد و هتک شرف و تقصیرات سیاسی و ازین

قبیل امور

## دعاوی حقوقی

۹۵ـ محکمهٔ عرفیّه کدامست؟ ۹۶ـ وظیفهٔ محکمهٔ عرفیه [illegible]

۹۷ـ دعاوی جزائیه کدامست؟

۹۸- دعاوی حقوقی دعاوی است که حاصل میشود از منازعات که در خرید و فروش و قرض و طلب و از این چیزها

## ( دعاوی تجارتی )

۹۹- دعاوی تجارتی دعاوی است که از معاملات تجارتی حاصل میشود که هر دو طرف یا یکطرف آن تاجر باشد

## ( محاکم عرفیه )

۱۰۰- محاکم عرفیه چهار طبقه است صلحیه بدایت استیناف تمیز

## ( وظیفه محکمه صلح )

۱۰۱- وظیفه محکمه صلحیه صلح دادن مابین مردم رسیدگی بدعاوی که مقدار آن از دویست و پنجاه تومان بیشتر نباشد و همچنین رسیدگی بامور خلافی و جنحه های کوچک از قبیل شرف و سایر تقصیرات جزئی که مجازات آن بیش از یکماه حبس و پنجاه تومان نقد نباشد

---

۹۸- دعاوی حقوقی کدامست؟ ۹۹- دعاوی تجارتی کدامست؟
۱۰۰- محاکم عرفیه چند طبقه است؟ ۱۰۱- وظیفه محکمه صلحیه چیست؟

با محکمه صلحیه است

## وظیفه محکمه بدایت

۱۰۲ - دعاوی که از دویست و پنجاه تومان زیادتر باشد ابتدا در محکمه بدایت رسیدگی میشود و همچنین جنحه های بزرگ از قبیل سرقت و نحو آن در محکمه ابتدائی رسیدگی میشود

## (وظیفه محکمه استیناف)

۱۰۳ - اموریکه در محکمه بدایت رسیدگی شده و حکم آن صادر گردیده در صورتیکه یکی از متداعیین راضی بآن حکم نباشد میتواند در محکمه استیناف مجدداً در آن دعوی رسیدگی و حکم بخواهد

## (وظیفه محکمه یا دیوان عالی تمیز)

۱۰۴ - در صورتیکه یکی از متداعیین از حکم محکمه بدایت یا استیناف شکایت داشته باشد میتواند بمحکمه تمیز رجوع بکند و محکمه تمیز هم حکم

---

۱۰۲ - وظیفه محکمه بدایت چیست؟ ۱۰۳ - وظیفه محکمه استیناف چیست؟

۱۰۴ - وظیفه محکمه یا دیوان عالی تمیز چیست؟

که صادر شده نظر مینماید اگر تصدیق به صحت آن حکم کرد آن حکم
غیر قابل تغییر خواهد بود و اگر دید صحیح حکم نشده آن را نقض کرده
ارجاع بمحکمه دیگر مینماید که مجدداً رسیدگی شود و محاکمه وزراء
در امور مملکتی نیز در دیوان عالی تمیز میشود

۱۰۵- محاکم صلح در محلات شهرهای بزرگ و در قصبه و بلوک
هر جا که دولت مقتضی بداند تشکیل میشود و امین صلح یکنفر است

۱۰۶- محاکم بدایت در تمام شهرهای بزرگ و کوچک ایران
تشکیل میشود و اجزاء آن سه نفر است

۱۰۷- محاکم استیناف فقط در پایتخت و مرکز ایالات مثل-
طهران- تبریز- مشهد- شیراز- کرمان- میباشد و اجزاء
آن چهار نفر است

۱۰۸- محکمه تمیز فقط یک محکمه است و آنهم در شهر طهران است

۱۰۵- محاکم صلح در کجا تشکیل میشود؟ ۱۰۶- محاکم بدایت در کجا تشکیل میشود
۱۰۷- محاکم استیناف در کجا تشکیل میشود؟ ۱۰۸- محکمه تمیز در کجا تشکیل میشود

۱۵۹ـ در قسمت جزائی یک محکمه دیگر هست موسوم بمحکمه جنایت که بقتل و جنایات رسیدگی مینماید و نیز محکمه دیگری است خارج از عدلیه در تحت ادار... است جنگ موسوم بمحاکمات عسکریه که باموِر نظامی مخالفت قوانین نظامی رسیدگی میکند

( اداره مدعی العموم )

( مستنطق )

۱۶۰ـ مستنطق کسی است که در عدلیه معین میشود برای اینکه در خصوص جنحه و جنایت تحقیقات کرده اشخاص مقصر را کشف نموده تحقیقات خود را بمدعی العموم بدهد

( اداره مدعی العموم )

۱۶۱ـ اداره مدعی العموم اداره ایست که برای حفظ آسایش

---

۱۵۹ـ آیا محکمه دیگری نیز هست ؟ ۱۶۰ـ مستنطق کیست ؟

۱۶۱ـ اداره مدعی العموم کدام است ؟

عمومی و نگاهداری حقوق راجعه بعموم خلق در نزد محاکم عدلیه

مدعی العموم موافق قانون مقصّرین را تعقیب کرده محاکمه مجازات

آنهارا از محکمه میخواهد

۱۱۲ — اداره مدعی العموم بسه شعبه تقسیم میشود که هریک از

آنهارا پارکه گویند پارکه دیوان تمیز — پارکه محکمه استیناف

— پارکه بدایت

## ( پارکه دیوان تمیز )

۱۱۳ — پارکه دیوان تمیز تشکیل میشود از مدعی العموم تمیز که

اورا مدعی العموم کل میگویند ویک نفر معاون که اورا

وکیل عمومی تمیز گویند

## ( پارکه محکمه استیناف )

۱۱۴ — پارکه محکمه استیناف تشکیل میشود از مدعی العموم اول

---

۱۱۲ — اداره مدعی العموم بچند شعبه تقسیم میشود ؟ ۱۱۳ — پارکه دیوان

تمیز بچه نحو تشکیل میشود ؟ ۱۱۴ — پارکه محکمه استیناف بچه نحو تشکیل میشود ؟

و یک نفر وکیل عمومی برای هر اطاقی

## (پارکه بدایت)

۱۱۵ — پارکه بدایت تشکیل میشود از مدعی عمومی محکمه ابتدائی ومعاونین بعده اطاقهای محکمه

۱۱۶ — مدعی العموم در محاکم حقوق دخالت ندارد مگر در مواردیکه قانون معین کرده که در آن موارد باید اظهار عقیده بنماید

## (فصل ششم)

## حقوق ووظایف ملت

۱۱۷ — حقوق ملت در دولت مشروطه در تحت دو عنوان در میاید — حریت — آزادی — مساوات — برابری

## (حریت)

۱۱۸ — حریت (آزادی) عبارتست از آنکه شخص در افعال

---

۱۱۵ — پارکه بدایت بچه نحو تشکیل میشود؟ ۱۱۶ — مدعی العموم در محاکم حقوق دخالت دارد یا نه؟ ۱۱۷ — حقوق ملت در مملکت مشروطه چیست؟ ۱۱۸ — حریت عبارت از چیست؟

و حرکات و افعال و افکار خود مختار باشد و لی آزادی حدی

دارد که قوانین موضوعه حدود آن را معین مینماید و آن قوانین

قیودی است که بجهت آزاد بودن سایر مردم لازمست و در حقیقت

آزادی تا آنجاست که صدمه بآزادی دیگران نزند پس نباید

آزادی را با خودسری اشتباه کرد و بنای مذهب اسلام نیز

بر آزادی است چنانچه صاحب شریعت فرموده اَلنّاسُ مُسَلَّطوُن

عَلَی اَمْوالِهِم وَ اَنْفُسِهِم

۱۱۹ - آزادی حاصل میشود بداشتن اختیارات ذیل اختیار

نفس - اختیار مال - اختیار منزل - اختیار کار و پیشه -

اختیار عقاید - اختیار طبع - اختیار اجتماع - اختیار تعلیم و

تعلم - اختیار عرض

## ( ۱ . اختیار نفس )

۱۲۰ - اختیار نفس ( آزادی شخصی ) اینستکه کسی بجان دیگری

---

۱۱۹ - آزادی بچه چیز حاصل میشود ؟ ۱۲۰ - اختیار نفس کدامست ؟

تسلط ندارد او را حبس کند یا شکنجه و اذیت نماید یا مجبور
بخدمت یا تعظیم خود نماید بود دستگیری و حبس و مجازات کسی
جائز نیست مگر در جائیکه قانون رخصت داده باشد

## اختیار مال

۱۲۱- اختیار مال آنستکه هر کس مالی تحصیل کرده تسلط دارد
آنرا هر نحو بخواهد نگاهداری یا خرج نماید و کسی نمیتواند مال
او را بجبر دیا او را محروم از تصرف در مال خود کند مگر با
مجوز شرعی موافق قانون

## ( اختیار منزل )

۱۲۲- اختیار منزل آنستکه کسی حق ندارد کسی را مجبور کند
باقامت در جائی یا منع کند از اقامت در جائی یا بمنزل
او بی رخصت وارد شود مگر در موارد یکه قانون معین میکند

## ( آزادی کار و پیشه )

---

۱۲۱- اختیار مال کدامست؟ ۱۲۲- اختیار منزل کدامست

۱۲۳ — آزادی کار و پیشه آنستکه شخص مختار باشد که کار معین را بکند و هر کار و پیشه را میل دارد برای خود اختیار کند و مال خود را بهر قیمتی که میخواهد بفروشد

## اختیار عقیده

۱۲۴ — اختیار عقیده آنستکه شخص هر نوع عقیده در امور سیاسی و غیره داشته باشد بتواند آنرا اظهار کند مگر آنکه موجب فتنه باشد

## اختیار طبع

۱۲۵ — اختیار طبع آنستکه شخص هر فکری در امور سیاسی و ترقی مملکت و غیر آن کرده بتواند آنرا بتوسط روزنامه و غیره طبع و توزیع نماید مگر اموری که قانون مطبوعات آنرا ممنوع داشته

---

۱۲۳ — آزادی کار و پیشه کدام است؟ ۱۲۴ — اختیار عقیده چیست؟ ۱۲۵ — اختیار طبع کدام است؟

## اختیار اجتماع

۱۲۶ - اختیار اجتماع آنست که مردم اختیار دارند که تشکیل انجمن یا مجمع کنند که اعضاء مخصوصه و ترتیب خاصی دارد یا اجتماع کنند در میدان ها و گردشگاهها و مهمانخانه و تماشاخانه ها مگر آنکه موجب فتنه و مخل نظم باشد

## ( اختیار تعلیم و تعلم )

۱۲۷ - اختیار تعلیم و تعلم آنستکه هرکس مختار است معلومات خود را بهر نحو بخواهد تعلیم نماید و هرکس مختار است در هر مدرسه یا نزد هر معلم بخواهد تعلیم کند یا فرزند خود را تعلیم و ادارد و هر علم و صنعتی بخواهد تحصیل کند مگر آنچه شرعاً ممنوع باشد

## اختیار عرض

۱۲۸ - اختیار عرض آنستکه هرکس حق دارد مطالب خود را

---

۱۲۶ - اختیار اجتماع کدامست ؟ ۱۲۷ - اختیار تعلیم و تعلم کدامست ؟

۱۲۸ - اختیار عرض چیست ؟

بهیئت متشکله یا مجریه یا قضائیه عرض نماید چه مطالب خصوصی
شخصی باشد یا عمومی

۱۲۹ آیا در دولت استبدادی مردم آزاد نیستند چونکه در
دولت استبدادی دولت و صاحبان قدرت مقید بقید
قانونی نیستند ضعفا در مقابل آنها اختیاری ندارند مگر به
مقداری که مقتدرین برحسب مصلحت یا ترحم خودشان بآنها
اختیار دهند از این جهت سابقاً دولتیان و صاحبان
قدرت و مالکین دست به دلخواه خود مردم را حبس و زنجیر
و چوب و فلک میکردند بپا و میبستند و میکشتند مالشان را
میگرفتند خودهاشان را هم آنکاره میداشتند و هرگاه در
جائی متوطن یا تبعه نمیشدند جریمه میکردند رعیت را با املاک
مثل بنده می بخشیدند کسی قدرت شکایت نداشت و اگر میکرد
گوش نمیدادند و کسی در امور مملکت اظهار عقیده نمیتوانست

---

۱۲۹ - در دولت استبدادی مردم آزاد هستند یا خیر؟

کرد و اجتماع برای امور مملکتی ممنوع بود و کسی حرف حقوق ملت
نمیگفت و تعلّم و تعلیم بغیر آنچه متنفذین برای خود صلاح [illegible]
بودند ممکن نبود در روزنامه و فکر آزادی و حق گوئی ممنوع بود

## ( مُساوات )

۱۳۰ — مُساوات عبارت از یکسان بودن تمام افراد
مردم در حقوق و مزیّت نداشتن هیچ کدام بر دیگری. این مساوات
در حقوق است نه در احوال از قبیل غنا و فقر و علم و جهل و
ثروت و کسب و غیر آن زیرا که مردم بالطبع در قدرت
و قابلیّت و اخلاق و خیالات متفاوتند ولی اختلافات
قهراً سبب اختلاف احوال میشود

۱۳۱ — مساوات بچهار شعبه منقسم میشود

مساوات در مقابل قانون

مساوات در مقابل محاکم عدلیه

---

۱۳۰ — مساوات عبارت از چیست؟ ۱۳۱ — مُساوات بچند شعبه منقسم میشود؟

مساوات در مشاغل و مناصب

مساوات در مالیات

## (مساوات در مقابل قانون)

۱۳۲- مساوات در مقابل قانون آنستکه کلیه قوانین درباره عموم مردم یکسان وضع شود و یکسان مجری گردد و رعایت نسبت و تشخص و تمول در حق هیچکس بعمل نیاید شاه و گدا غنی و فقیر وزیر و زارع در قانون برابر باشند

## مساوات در مقابل محاکم عدلیه

۱۳۳- مساوات در مقابل محاکم عدلیه آنست که محاکم عدلیه برای عموم مردم باید باشد و مرافعه فقیر و غنی متشخص و ضعیف تمام در یکجا قطع و فصل شود و دو طرف دعوی در محکمه باهم برابر باشند اگرچه یکی متشخص و مالدار و دیگری فقیر باشد

## (مساوات در مشاغل و مناصب)

---

۱۳۲- مساوات در مقابل قانون کدامست؟ ۱۳۳- مساوات در مقابل محاکم عدلیه کدامست؟

۱۳۴- مساوات در مشاغل و مناصب آنستکه منصب و شغل مخصوص بطبقه و طایفه معینی نباشد و همه کس بتواند بمقدار کفایت و قابلیت خود صاحب منصب و شغل گردد

## مساوات در مالیات

۱۳۵- مساوات در مالیات آنستکه هر مالیاتی که وضع میشود باید عمومیت داشته باشد و مالیات هر کس مناسب دخل و تمول او باشد نه اینکه مثل زمان استبداد بعضی بجهت از مالیات معاف باشند و بار آنها بدوش سایرین بیفتد

۱۳۶- بنای مذهب اسلام بر آزادی و مساوات است و در تمام احکام از عبادات و معاملات و سیاسات و ادای مالیات و جهاد و دفاع و غیر آن عموم مسلمین برابرند و برای هیچکس حتی خود پیغمبر امتیازی برای خود قرار نداد

۱۳۷- در دولت استبدادی مساوات نیست یا تقاً مقدرین

۱۳۴- مساوات در مشاغل و مناصب کدامست ۱۳۵- مساوات در مالیات کدامست ۱۳۶- آیا در اسلام مساوات هست ۱۳۷- آیا در دولت استبداد مساوات هست

و متنفذین بر فقرا و ضعفا اختیارات داشتند و آنها را

مثل خود انسان نمی شمردند و رخصت نشستن و حرف زدن

با آنها نمیدادند و ایشان را در برابر خود بر رکوع و سجود و خاک

افتادن و دست و پا بوسیدن مجبور میکردند و منصب و

شغل را بواسطهٔ نسب و رشوه و واسطهٔ و زور و بی حیائی میدادند

نه برای لیاقت. بتظلم و شکایت فقرا گوش نمیدادند و حقوق

ایشان پایمال میشد صاحبان قدرت و متنفذین از مالیات دادن

و سرباز شدن معاف بودند و تحمیل بر ضعفا میشد در تقصیرات

و اعمال بد ضعفا مؤاخذه میشدند و صاحبان قدرت مرخص

بودند و مسئولیت نداشتند

## ( وظایف افراد ملت )

۱۳۸- افغان نسبت بخود و خانواده و بلد و وطن خویش

و ملت با فراد مردم وظایف و تکالیفی دارد که باید آنها را بجا آورد

---

۱۳۸- وظیفه افراد ملت چیست ؟

## (وظیفه انسان نسبت بخودش)

۱۳۹- تکلیف انسان نسبت بخودش عبارتست از تحصیل کردن علم و ادب و اخلاق نیکو و نشستن با نیکان و کار کردن و امور معاشش را طوری مرتب کردن که بذلت و پریشانی نیفتد و خرج را کمتر از دخل کردن و صحت بدن را حفظ نمودن و در خورد و خواب و کار و عیش و اندوه و غیر اینها حد وسط را گرفتن

## (وظیفهٔ انسان نسبت بخدا و مذهب)

۱۴۰- وظیفه انسان نسبت بخدا و مذهب آنکه خدا را بیگانگی و عظمت شناخته اطاعت و فرمان خدا و پیغمبران او را بر خود لازم دانسته مذهب را محترم شمارد و اعمال و قوانین مذهبی را معمول دارد و علماء متدین واقع را محترم شمارد و از آدم فریبان که انسان را از دین میبرند یا دین فروشی را مایهٔ بزرگی و گذران خود قرار داده اند پرهیز نمایند

---

۱۳۹- وظیفه انسان نسبت بخودش چیست؟ ۱۴۰- وظیفه انسان نسبت بخدا و مذهب چیست؟

## ( وظیفه افراد ملت نسبت بدولت )

۱۴۱ـ وظیفهٔ افراد ملت نسبت بدولت از اینقرار است (۱) پادشاه خود را مقدس و محترم شمارد و وزراء و وکلاء و سایر اشخاصی را که برای ترقی مملکت و راحت ملت زحمت میکشند محترم و مطاع شمارد و خاندان دولت و ملت را دوست بدارد (۲) اطاعت قوانین را بر خود واجب و لازم دانستن (۳) دادن مالیات را یکی از وظایف مقدسه خود دانسته استنکاف تاخیر در اداء مالیات را یک نحو تقصیر و خیانت نسبت بمملکت و منافع عموم ملت شمارد

## ( خانواده )

۱۴۲ـ خانواده عبارتست از زن و شوهر و اولاد ایشان که غالبا در یک خانه سکنی مینمایند

## ( وظیفهٔ شخص نسبت بپدر و مادر )

۱۴۳ـ وظیفهٔ شخص نسبت بپدر و مادر آنستکه منتهای احترام

---

۱۴۱ـ وظیفهٔ افراد ملت بدولت چیست؟ ۱۴۲ـ خانواده کدام است؟
۱۴۳ـ وظیفهٔ شخص نسبت بپدر و مادر چیست؟

از آنها نماید و حرف آنهارا بشنود و نگذارد از او رنجشی حاصل نمایند و در حق آنها نیکوئی کند

## (وظیفهٔ پدر و مادر نسبت باولاد)

۱۲۴ — وظیفه پدر و مادر نسبت باولاد آنستکه آنهارا باخلاق خوب تربیت کنند و آنهارا در مدرسه گذاشته وادار بتحصیل نمایند و نگذارند هرزه گرد و بد اخلاق بار بیایند

## وظیفهٔ زن با شوهر

۱۲۵ — وظیفه زن با شوهر خود آنستکه از شوهر خود اطاعت نماید و محافظت اموال او را بنماید در غیاب او و در خانه داری و ضبط اسباب و اثاثیه خانه و همراهی با شوهر خود در کارها کوتاهی ننماید

## وظیفهٔ شوهر نسبت بزن

۱۲۶ — وظیفه شوهر نسبت بزن آنستکه با زن خود بکمال مهربانی

---

۱۲۴ — وظیفه پدر و مادر نسبت باولاد چیست ۱۲۵ — وظیفه زن با شوهر چیست ۱۲۶ — وظیفه شوهر نسبت بزن چیست

بوده اسباب راحت وخوشی او را فراهم نماید و اذیت وتلخی باو نماید

## وظیفهٔ آقا نسبت بنوکر

۱۴۷ - وظیفه آقا نسبت بنوکر آنستکه با او بمدارا رفتار نماید وباو حقوق کافی بدهد ومواظبت وتفتیش کند که نوکر دزدی وخیانت وکشف سرخانه نکند وبدخواه نباشد

## وظیفهٔ نوکر نسبت بآقا

۱۴۸ - وظیفه نوکر نسبت بآقا در آنستکه در کار آقا کوتاهی نکند ودست وزبان خود را از دزدی وسخن خانه بیرون بردن وبدخواهی خانه نگاهدارد

## (وظیفهٔ شخص نسبت بآبادی که در آن ساکن است

۱۴۹ - وظیفه شخص نسبت بشهر وبآبادی که در آن ساکن است آنستکه در آبادی آنجا وترویج علم ومدرسه وحفظ صحت وپاکیزگی

---

۱۴۷ - وظیفه آقا نسبت بنوکر چیست ۱۴۸ - وظیفه نوکر نسبت بآقا چیست

۱۴۹ - وظیفه شخص نسبت بآبادی که در آن ساکن است چیست

ودر شناسائی انجا سعی نماید و با مردم همسایه با نی نموده آنها را بکارهای خوب وادارد و در انتخابات آدم امین انتخاب کند و از بدگوئی ورقابت با مردم بپرهیزد

## ( وظیفه شخص نسبت بوطن و مملکت )

۱۵۰ - وظیفه شخص نسبت بوطن و مملکت خود ازاین قرار است

(۱) خدمت سربازی را اوّلین وظیفه خود دانستن باید تمام افراد ملت مدافعه وطن و حفظ مملکت را بر سلامتی شخصی ترجیح دهند و در نگاهداری آن از مال و جان مضایقه ننمایند

(۲) هریک از افراد مملکت را برادر خود دانستن و همراهی و کمک از یکدیگر کردن و برای سعادت و ترقی مملکت مساعدت و توافق با هم نمودن

(۳) بقدر قوه سعی در ترقی و آبادی مملکت کردن و کوشش در افتخار و نیک نامی و محبت وطن داشتن و دانستن اینکه

---

۱۵۰ - وظیفه شخص نسبت بوطن و مملکت خود چیست؟

بدون وطن زندگانی حرام، سراپا ذلت و بندگی و اسیریست

۱۵۱- وطن ما ایرانست و تمام اهالی ایران با یکدیگر هم وطن اند
و باید دست اتحاد بهم داده در ترقی و محافظت آن خودداری
ننمایند و ترویج معارف و زراعت و صنایع و تأسیس کارخانجات
در وطن خود نمایند و زبان ملی و مذهب رسمی خود را ترقی دهند
اسباب نظم و امنیت و آسایش اهالی را فراهم نمایند و
ایران را یک خانه و تمام افراد اهالی آنرا اهل یک خانه و با یکدیگر برادر
بدانند

## وظیفهٔ شخص نسبت بعموم بشر

۱۵۲- انسان باید با تمام طوایف و ملل بطور دوستی
و مدارا رفتار نماید و احترام مملکت و وطن و دولت و مذهب
دیگران را منظور دارد و با آنها مساعدت کنند و از آنها
مساعدت بطلبد و هر قدر تواند علوم خوب و صنایع با
فایده دیگران را بوطن خود جلب کند

---

۱۵۱- وطن ما کجاست ۱۵۲- وظیفهٔ شخص نسبت بعموم بشر چیست

چون کتاب تعلیمات مدنی تألیف جناب مستطاب شریعتمدار آقای
آقا میرزا السید محمد قمی بعضی از مواد آن تغییر نموده بنا بفرمایش
جناب مستطاب شریعتمدار آقای آقا شیخ ابراهیم
سلمه الله تعالی جناب مؤلف تجدید نظری فرمودند
و بعضی مطالب مهمه را بر آن اضافه نمودند و
مواد آن را مطابق با پروگرام نمودند و بنظر
اولیای وزارت جلیله معارف رسانیدند
از اینجهت این طبع از طبعهای سابق
امتیاز دارد

(کتبه قوام الکتاب ۱۳۴۱)

در مطبعه اقبال بطبع رسید

# اخطار

## از طرف کتابخانه اقبال

کتابهائی که تازگی بطبع رسیده و مطابق است با
پروگرام رسمی جدید وزارت جلیله معارف

علم الاشیاء جدید تالیف آقای آقامیرزا سید علیخان
در شش جلد از برای شش ساله مدارس ابتدائی

---

هنرآموز دوشیزگان تالیف آقای میرزا سید علیخان در
سه جلد ازبرای شش ساله مدارس نسوان

---

شرعیات یافقه فارسی تالیف آقای آقامیرزاسید محمد
قمی درسه جلد بانضمام اخلاق ازبرای شش ساله مدارس
ابتدائی

---

جغرافی جدید عالم تالیف آقای آقا میرزا سید
باقرخان در چهار جلد از برای شش سال مدارس
ابتدائی

---

شورش فرانسه تالیف آقای آقا میرزا سید علیخان
تاریخ مختصر ایران دوره سیم تالیف آقامیرزاحسین
خان از جهة کلاس سوم و چهارم مدارس ابتدائی
حفظ الصحه مصور تالیف آقامیرزا سید حسینخان رمزی
سه جلد از برای شش سال مدارس ابتدائی

---

دستور جدید ابتدائی تالیف »